

نگاهی به تأثیر مرجعیت دینی در مبارزه با خشونت سلفی گری و تروریسم با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

سید محمدرضا معتمدی^۱

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۰۶/۲۷

صص: ۱۱۵-۱۵۴

چکیده:

پدیده تروریسم در گفتمان جدید محصول تحولات و توسعه روابط بین‌المللی و ابزاری برای ساختارسازی قدرت و رسیدن به اهداف شیطانی اقتدارگرایی است. اتفاق نظر بر سر تعریف واحد از تروریسم تا کنون یکی از مشکلات شناخت مصادیق تروریسم و مبارزه با آن است و به قول آخوند خراسانی در کفآیه الاصول که تعاریفات مفهومی را زیاد اهمیت نمی دهد یعنی رسیدن به مفهوم حقیقی الفاظ و اشیاء، از باب اینکه ذهن بشر کامل نیست و نمی تواند آن را آنچنان که هست بفهمد. و از باب شرح اسم، لفظ را به لفظی واضح تر بیان می کند مثل (نباتات و سبزیجات) در مفهوم تروریسم اختلاف نظر است، اما مهم مصداق است، با این وجود ویژگی هایی را برای تروریسم در گفتمان غربی و در دیدگاه امام خمینی می توان پیدا کرد که تا حدودی در شناخت ماهیت تروریسم مؤثر و مفید باشد. امام خمینی با تروریسم مخالف است ولی مبارزات رهایی بخش ملت ها مبارزات مشروعی است که هرگز از مصادیق

^۱ - دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه آزاد مشهد، ایران.

تروریسم به شمار نمی‌رود. امروزه مفهوم‌های ترور و تروریسم، به رغم پیشینه‌های تاریخی‌شان، در ادبیات علمی بیش‌تر رشته‌های دانشگاهی، رسانه‌ها و جامعه‌ی جهانی اهمیت و حساسیت بالایی یافته‌اند. تروریسم در بادی امر، فضای اندیشه و روابط بیرونی را در هاله‌ای از خشونت، ناامنی، ترس و انتقام فرو می‌برد و توسعه‌ی آن در ابعاد ملی و فراملی حاکمیت، تمامیت ملی واحدهای سیاسی، هویت‌های فرهنگی و مآلاً فضای همکاری و همبستگی جهانی را ناممکن ساخته است. تروریسم به معنای استفاده منظم و سازمان یافته از ترور است. جرم محاربه از دیدگاه امام خمینی، بر وجه افساد، بنا شده است، هم چنین ترور از منظر ایشان به طور قاطعانه محکوم و عملی کاملاً غیرعقلایی است و در عین حال مکتبی انحرافی معرفی شده است. در بحث وهابیت نیز امام خمینی آن را فرقه‌ای انحرافی می‌داند که سبب نفوذ بیگانگان و ذلت مسلمانان گشته است و حتی اهل تسنن نیز آن را قبول ندارند، به کار بردن واژه‌ی «آل سعود» در بیانات امام، نشان می‌دهد که این جریان، جریانی حکومتی است و پشتوانه مردمی ندارد. در نوشتار حاضر به بررسی تأثیر مرجعیت دینی در مبارزه با سلفی‌گری و تروریسم از دیدگاه امام خمینی پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: ترور، تروریسم، محاربه، سلفی‌گری، وهابیت، جهاد، دفاع.

امنیت

در امان بودن، ایمنی، بی‌ترسی (عمید، ۱۳۶۲: ۱۸۵). امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. مفهوم‌های مرتبط با امنیت در فارسی کلاسیک با واژه‌های زنهار و زینهاری ادا می‌شود. امنیت از نظر مفهومی به وضعیتی اطلاق می‌شود که نیروهای حفظ‌کننده وضع موجود، توان این محافظت را از نیروهای شناخته شده بر هم زنده آن داشته باشد. برای افزایش امنیت اقداماتی چون حفاظت، حراست، کنترل، تقویت، تسلیح، مهار و بیمه انجام

می‌شود و اگر فرد یا مجموعه ای قصد کاهش امنیت فرد یا مجموعه دیگری را داشته باشند، از فرایندهایی چون تحریم، تضعیف، خلع سلاح، آسیب رسانی و ... استفاده می‌کنند. امنیت را بسته به زمینه کاربرد می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:

۱- امنیت فردی؛ ۲- امنیت اجتماعی؛ ۳- امنیت ملی؛ ۴- امنیت بین‌المللی؛ ۵- امنیت اقتصادی؛ ۶- امنیت محلی؛ ۷- امنیت شهری؛ ۸- امنیت سایبری؛ ۹- امنیت منطقه ای؛ و ...

روایت های اسلامی، مهم ترین نعمت ها را دو چیز دانسته است، یکی سلامت و دیگری امنیت (تقوی مقدم، ۱۳۸۹: ۹۴).

امنیت مانند هر مقوله دیگری یک وجه سخت افزاری و یک وجه نرم افزاری دارد. بخش سخت افزاری مانند ابزار تامین امنیت از جمله نهادهای امنیتی مانند ارتش و پلیس و وجه نرم افزاری آن شامل تلقی جامعه و حکومت از آن می‌شود (تقوی مقدم، ۱۳۸۹: ۹).

مهم ترین چیزی که بعد از تامین نیازهای فیزیولوژیک، ذهن انسان را به خود مشغول می‌کند، امنیت است (پرواس، ۱۳۸۸: ۹). معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده ای است (ماندل، ۱۳۸۲: ۱۴۲). این مفهوم از جمله مفاهیمی است که پس از پیدایش دولت های ملی رایج شده اند و پس از جنگ جهانی دوم پژوهشگران علوم سیاسی به عنوان یک واژه کاربردی به مطالعه آن روی آورده اند و در قالب نظریه های مختلف مساله ی امنیت ملی را «توانایی یک کشور در حفظ ارزش های فردی در برابر تهدیدهای خارجی» می‌دانند (عیوضی، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

به تعبیری دیگر نیز، امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و تامین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. از آیات قرآن که

به برخورد با عوامل ضدامنیتی اشاره می نماید می توان به آیات ۱۰۴ یونس، ۶۴ احزاب، ۲۳ توبه؛ ۱ ممتحنه، ۵۲ فرقان، ۶۰ انفال و ... اشاره نمود. امام خمینی به ارتش و پلیس توصیه می کند: «حکومت ها باید خدمتگزار مردم باشند مردم احساس کنند که اینها به نفع آنها عمل می کنند. اگر مردم احساس این را بکنند که پلیس برای حفظ مصالح آن هاست، پلیس نمی خواهد که به آن ها تحمیلی بکند، مردم با آغوش باز پلیس را در بر می گیرند و از پلیس پشتیبانی می کنند» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۷۰).

«ارتش، باید نگهبان یک ملت باشد و نگهبان کشور باشد؛ و سایر قوای انتظامی هم همین طور. باید طوری عمل بکنند که ملت را برادر خود بدانند و ملت هم آن ها را برادر خود. آنها پشتیبان ملت باشند. ملت پشتیبان آنها. اگر یک مملکتی دولت و ملتش، ارتش و ملت، قوای انتظامی و ملت از هم شدند، با هم شدند و هر دو احساس کردند که باید خدمت به هم بکنند، یک همچو ملتی و کشوری شکست نخواهد خورد» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۴۳). «قدرت وقتی دارید که ملت دنبال شما باشند» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

در همان اوایل انقلاب ریاست شهربانی وقت تیمسار دستجردی و تیمسار قرنی فرمانده ستاد مشترک ارتش به واسطه خشونت ها و ترورهای آن دوران، به شهادت رسیدند.

پیشینه ترور و تروریسم

ترور، به عنوان یک پدیده ایجاد رعب و هراس، پدیده جدیدی نیست، بلکه ریشه در زندگی گذشته بشر و در تاریخ ساختار قدرت گرایی انسان دارد. از تروریسم انقلابی فرانسه و دوران ترور آن کشور تا حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، ظهور انواع اقدام های تروریستی در گوشه و کنار جهان، نظیر افغانستان، عراق، لبنان و ... سبب گشت تا تروریسم نوین با ادبیات و گفتمان جهانی شکل تاه ای به خود بگیرد (هاشمی، ۱۳۸۱: ۲۰؛ بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴). اقدامات تروریستی در دهه ششم و اوایل

دهه هفتم قرن بیستم، مانند هواپیمارمایی، ترور رهبران سیاسی و دیپلمات ها و نمایندگان سیاسی کشورها و همچنین جهانگردان، بمب گذاری و گروگان گیری به منظور دست یافتن به پناهندگی سیاسی، بسیار صورت گرفت. در حالی که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به عنوان دوران اوج استفاده از اقدامات تروریستی، و دوران قبل از آن، تروریسم مذهبی کم تر بود و بیش تر تروریسم لائیک^۱، تروریسم ایدئولوژیک غیرمذهبی و تروریسم قومی و ملی نمود عینی داشت، از دهه ۱۹۸۰ به بعد و خصوصاً در ده سال گذشته، درصد زیادی از اعمال تروریستی غیردولتی به نحوی چشمگیر رنگ و بوی مذهبی پیدا کرده است (جلالی، ۱۳۸۴: ۵۳). اسلام با ترور مخالف است. از این رو در جهان اسلام سابقه چندانی ندارد (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴). خاستگاه و محل ظهور تروریسم در غرب است.

تعریف، اقسام و عناصر ترور و تروریسم

آنگونه که گفته شده است، تعاریف ارائه شده از تروریسم فراوان هستند و هر کس بنا به دریافت خود از این مفهوم، آن را به گونه ای تعریف کرده است. از نظر لغوی ترور را استفاده از خشونت برای ایجاد ترس یا وحشت به ویژه به عنوان وسیله ای جهت تاثیر گذاردن بر اعمال سیاسی می دانند (گانر، ۱۳۸۴: ۵۱۲-۵۱۳).

۱- ترور مشتق از کلمه لاتینی *Terrere* به معنای احساس ترس است. در تاریخ انقلاب کبیر فرانسه، این واژه معنای خاصی دارد و دو منظور را افاده می کند: نخست: به معنای اتخاذ تدبیرها و روش های سخت علیه ضدانقلابیون است. دوم: نام دوره هایی از تاریخ انقلاب فرانسه است که در آن دوره ها ترور به معنای اول به کار می

^۱ به کسی یا اجتماعی گفته می شود که پیروی اصل لائیتیسیم باشد. به این معنی که وجود دین را برای تعالی فردی / اجتماعی یک ملت لازم نشناخته اند.

رفته و حاکم بوده است. امروزه این کلمه در اصطلاح سیاسی به معنی هر نوع اقدامی جهت پیشبرد اهداف با توسل به ایجاد وحشت به کار می‌رود.

۲- تروریسم یعنی عقیده به لزوم آدمکشی و تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم برای نیل به هدف‌های سیاسی و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت یا تفویض آن به دسته دیگری است که موردنظر می‌باشد. این عقیده معمولاً از ابزار اصلی فاشیسم، ماکیاولیسم و مکاتب مشابه می‌باشد (علی بابایی و آقایی، ۱۳۶۵، ۱۷۶-۱۷۸). در دانشنامه سیاسی دیگری ترور به این صورت تعریف شده است: «ترور در لغت به معنای وحشت و به وحشت افکندن است و در سیاست به عمل حکومت یا گروه‌هایی اطلاق می‌گردد که برای حفظ قدرت یا مبارزه با دولت با اعمال خاص ایجاد وحشت می‌کند». لغت نامه ی دهخدا این واژه را چنین تعریف می‌کند: «ترور مأخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه در فارسی متداول است، ترور کردن، قتل سیاسی با اسلحه و تروریست طرفدار خشونت عمل و ایجاد رعب و ترس است» (آشوری، ۱۳۶۴: ۹۸-۹).

از تعاریف موجود در خصوص تروریسم می‌توان به ۲۲ مورد از موارد اشتراک این مفهوم که از سوی «الکس اشمید» فراهم شده است مانند: خشونت یا زور، سیاست، ارباب و ترور، تهدید، آثار فیزیکی و عکس‌العمل‌های پیش‌بینی نشده و تفاوت هدف با قربانی، اقدام هدفمند، برنامه ریزی شده، نظام‌مند، روش مبارزه، راهبرد و تاکتیک و ... اشاره نمود (Schimild & Jongnen, 1998: 6-50) و از شاخصه‌های معرفی شده برای تروریسم می‌توان به:

۱- خشونت تروریستی در راستای اهداف سیاسی صورت می‌گیرد (Long, 1990: 50).

۲- دومین عنصر در تعریف تروریسم، رفتار مادی آن است که عبارت است از خشونت، یا تهدید به خشونت (Badeg Defining, 1998: 930).

۳- سومین عنصر، وجود مخاطبین خاص در تروریسم است. بدین ترتیب در یک اقدام تروریستی «همه هدف هستند و هیچ کس در امان نیست» (سیمبر، ۱۳۸۰: ۶۹).

۴- آماج بودن جمعیت غیرنظامی ویژگی دیگر اقدام تروریستی است (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۲۰). جمعیت غیرنظامی نه تنها یک هدف ساده برای اقدامات تروریستی است، بلکه هدفی موثر نیز محسوب می‌شود، زیرا انتخاب این اهداف بصورت تصادفی باعث ایجاد اضطراب در میان مردم خواهد شد. این اضطراب پیام آور یک وحشت است. پیام این حمله روشن است؛ هر کس، هر کجا و در هر زمانی ممکن است هدف حمله بعدی قرار گیرد (Gonar & Boaz, 2006: 5).

۵- برنامه ریزی، عنصر بعدی در تعریف تروریسم است. برای آنکه یک اقدام تروریستی به اهداف سیاسی خود برسد، حمله باید بصورت سازمان یافته و گروهی صورت بگیرد (میرمحمدصادقی الف، ۱۳۸۰: ۱۸۷؛ میرمحمدصادقی ب، ۱۳۸۵: ۱۳۱؛ عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۴؛ جلالی، ۱۳۸۴: ۶۰).

تروریسم از لحاظ ابزار و اهداف و تجهیزات به سنتی و مدرن تقسیم می‌شود، به لحاظ انجام دهنده ی فعل مجرمانه به فردی و غیرفردی تقسیم می‌شود و تروریسم غیرفردی به تروریسم گروهی، حزبی و دولتی تقسیم می‌گردد. از جهت قلمرو به تروریسم داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شود و در نهایت از جهت تنوع در اهداف و خواسته ها به تروریسم ارتجاعی، نژادی، جدایی طلبانه، اندیشه و روانی تقسیم می‌گردد. که توضیح و تعریف اقسام هر یک در این مختصر نمی‌گنجد. سازمان ملل در بندهای ۱ و ۲ قطعنامه شماره ۵۱/۲۱۰ سال ۱۹۹۹، پلیس فدرال آمریکا (FBI)، وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا (پنتاگون)، قطعنامه سال ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (انترپول) و ... هر یک ویژگی‌ها و مختصاتی را برای تروریسم برشمرده اند و بر مجرمانه بودن این گونه اقدامات در کنوانسیون های بین‌المللی اشاره شده است. از جمله این کنوانسیون ها، سازمان کنفرانس اسلامی است که در آن مبارزه

مسلحانه بر ضد اشغال بیگانه، تجاوز، استعمارگری و استیلا با هدف آزادسازی و تعیین سرنوشت، طبق اصول حقوق بین الملل، جرم تروریستی محسوب نمی‌شود^۱ (شریعت باقری، ۱۳۸۰: ۴۴).

با همه تلاش‌های مذکور در جهت شناختن و روشن کردن مفهوم ماهوی و حقیقت تروریسم، تاکنون تعریف واحد و روشنی از آن به عمل نیامده است و نیز تلاش برای خلط میان «تروریسم» و «دفاع مشروع» از سوی عده‌ای سبب پیچیدگی و بروز مشکلات بر سر راه مبارزه «تروریسم» شده است. در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی از سوی سازمان ملل و جهانیان از مبارزان افغانی، با عنوان مجاهدین یاد می‌شد ولی شوروی آن‌ها را اشرار می‌نامید. بعد از پایان جنگ افغانستان، همان مجاهدین با عنوان جنگ سالار یا تروریست نامیده شدند. «تروریسم بین‌المللی» به آنگونه اقدامات تروریستی اطلاق می‌شود که از حیث حملات، افرادی که در پی تاثیرگذاری بر آنها اقدام موردنظر صورت می‌گیرد، و یا محلی که دشمنان در آن قرار دارند، مرزهای ملی را در نوردیده و از آن فراتر می‌رود. در حال حاضر گروه‌های تروریستی مانند داعش در جای‌جای جهان اقامت داشته و به فعالیت مشغول هستند. حق دفاع مشروع از خود در برابر هرگونه تجاوز به جان و مال از حقوق اساسی انسان هاست که در قانون بین‌المللی نیز بر آن تاکید شده است؛ از جمله در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد چیزی ذکر نشده است که حق کشورها در دفاع فردی یا گروهی از خود را به هنگام مورد تجاوز قرار گرفتن، تضعیف کند. البته این حق تا زمانی است که شورای امنیت تدابیر لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نکرده باشد (مونتسکیو در کتاب قانون‌ها می‌گوید: زندگی افراد است و هم چنان که افراد هنگام

^۱ بند ۲ ماده یک کنوانسیون (۱۹۹۹) سازمان کنفرانس اسلامی؛ به نقل از مقاله «نگاهی اجمالی به کنوانسیون‌های بین‌المللی منطقه‌ای مقابله با تروریسم».

دفاع از خود حق کشتن دارند، کشور نیز حق دارد برای حفاظت از خود بجنگند). از جمله شرط‌های حق دفاع می‌توان به:

۱. هر دفاعی مستلزم بروز یک تجاوز است، زیرا دفاع به معنای مقاومت و پاسخ است. از این رو، اولین شرط ایجاد شدن حق دفاع، وجود یک عمل تجاوزکارانه است که جرمی بین‌المللی به شمار آید.

۲. دفاع در برابر نیروهایی که در حال اجرای یکی از مصوبات سازمان‌های بین‌المللی مجاز نیست؛ برای مثال، نباید در برابر تداگیری که شورای امنیت مطابق ماده ۳۹ اتخاذ می‌کند دفاع کرد. البته شرط تجاویزی که حق دفاع را ایجاد می‌کند، آن است که این تجاوز قبل از پاسخ یا دفاع صورت پذیرد؛ یعنی در قانون بین‌المللی چیزی به نام دفاع پیشگیری کننده از تجاوز احتمالی وجود ندارد (توافق نامه‌هایی که این شرط را تصریح کرده اند عبارتند از: توافق نامه لاهه در مورد حقوق و وظایف کشورها، ۱۹۰۷ و پروتکل‌های سال ۱۹۲۴ ژنو، ماده ۲).

۳. جز استفاده از زور، وسیله دیگری برای دفع تجاوز وجود نداشته باشد. در این صورت اگر استفاده از زور تنها راه نباشد، حق دفاع ایجاد نمی‌شود. عملی که یک کشور در چنین حالی به آن اقدام می‌کند، تجاوز قلمداد می‌شود که ایجاد کننده حق دفاع است. تعیین دقیق عنوان حقوقی هر یک از جنایات های داعش، مستلزم ادله قانونی و علمی است. ادله اثبات دعوا در مورد اقدامات داعش شامل دو دسته است، اعم از گزارشات رسمی، مراجع رسمی مانند سازمان ملل و گزارش های غیررسمی است که در سطح جهان وجود دارد. گزارش های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان عفو بین الملل، دیده بان حقوق بشر، وزارت حقوق بشر عراق و اعترافات خود داعش، اقدامات جنایتکارانه این گروه را نشان می‌دهد. در واقع جنایات های گروه داعش، به حدی وسیع است که تردیدی در وقوع آنها وجود ندارد. با توجه به ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت دیوان، محدود به شدیدترین جنایات

ها و تنها به جنایات‌های علیه بشریت، جنایات‌های جنگی، و جنایت تجاوز است که می‌توان از این چهار جنایت به عنوان صلاحیت موضوعی، دیوان نام برد؛ از جمله جنایت‌های داعش به ماده ۶ اساسنامه دیوان، جنایت نسل‌زدایی^۱ و ماده ۷ همان اساسنامه، جنایت علیه بشریت^۲ که شامل شکنجه، تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی و ... می‌شود و ماده ۸ اساسنامه دیوان که به جنایت‌های جنگی اشاره می‌نماید^۳ و همین‌طور به تخریب آثار مذهبی و تاریخی و آموزشی در موصل و سوریه اشاره نمود. تروریسم بین‌المللی ارتباط نزدیکی با تروریسم دولتی دارد. نمونه‌هایی از این نوع را می‌توان در کشتار ۲۰ ژانویه ۱۹۹۰ در آذربایجان، حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیویورک، اقدامات تروریستی القاعده و داعش و ... اشاره نمود.

مفهوم ترور از دیدگاه امام خمینی

برای رسیدن به مفهوم ترور در اندیشه امام خمینی باید تمرکز عمده بر دوران رهبری سیاسی ایشان، به ویژه بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ داشت؛ چرا که ایشان در این برهه زمانی، به طور مستقیم با ترور مواجه شدند. در طی این سال‌ها، تعداد قابل توجهی از نزدیک‌ترین، بهترین و شاخص‌ترین یاران وی توسط گروه‌های مخالف ترور شدند. واژه ترور، به تنهایی یا به صورت ترکیب (مانند ترور اشخاص، انقلاب، روحانیت، علما، مجاهدان، مظلومان، تروریست‌ها، ترور، تروریسم آمریکایی)، جمعاً به تعداد ۱۰۳ بار در صحیفه امام آمده است. امام خمینی از واژه «ترور» به تعریف روشنی نپرداخته‌اند. ترور که در تعریف علمی، متعارف و کلاسیک آن به معنای ترس و وحشت است، اصطلاحاً به رفتار فرد، گروه، حزب یا دولت اطلاق می‌شود که از

^۱ Thecrime of Genocid

^۲ Cim against humanit

^۳ Warcrime

طریق خشونت و قتل و خونریزی و ایجاد ترس و وحشت می خواهد به هدف های سیاسی خود برسد. طبق این تعریف عام، عناصر اصلی ترور عبارتند از: خشونت و قتل و خونریزی، ایجاد ترس و وحشت، رسیدن به یک هدف عمدتاً سیاسی.

اولین عنصر، یعنی خشونت و قتل و خونریزی، در بیانات امام به وضوح تمام به عنوان یکی از مؤلفه های پدیده ترور اشاره شده است: (قدرت های شیطانی مستقیماً و به وسیله عمال فاسد سرسپرده و یا جاهل بی اراده ... از هیچ وسیله ای گرچه مفتضح و واضح الفساد دریغ نکردند. از ترور کور اشخاص بیگناه کوچک و بازار تا انفجارهای منجر به قتل خردسالان و کهنسالان ...) (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۴۶).

عنصر بعدی ترور، تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و جامعه است که امام به این عنصر نیز در بیاناتشان اشاره داشته اند: (تروریست ها نمی توانند شخصیت مردان اسلام را ترور کنند. آنان بدانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم تر می شوند ... اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می خواهند انتقام بگیرند. یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند، بدگمان کرده اند) (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

عنصر سوم ترور که داشتن هدف، به ویژه هدفی سیاسی است در بیانات امام نمود کاملی دارد. ایشان در سخنرانی ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ در مدرسه فیضیه قم، در این باره چنین گفته اند: «این نوکرهای چپ راست- این انگل ها، این چپاولگران و معاونین چپاولگران- بدانند این حرکات مذبحانه را نمی توانند ادامه دهند با ترور شخص میدان برای آنها باز نخواهد شد ... ترور برای شما فایده ندارد. «ترور نشانه ی بی عقلی است» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۲۳۲). امام خمینی از صدور جواز ترور در خصوص حسنعلی منصور که توسط جمعیت مؤتلفه اسلامی خواسته شده بود خودداری کردند (طیب، ۱۳۸۴: ۶۳).

امام خمینی دیدگاه اسلام در خصوص تروریسم را مبنی بر طرد و رد ترور عنوان می‌کنند ولی در مواردی که دفاع از این دین و امنیت و کیان امت اسلامی، چاره‌ای جز اقدام به مثل را نداشته باشد، اسلام تحت عنوان دفاع و مبارزه مشروع، جهاد و پیکار را بر اساس موازین و اصول شرعی مجاز شمرده است، همان گونه که دفاع و جنگ مشروع در حقوق و عرف بین الملل امری پذیرفته شده است (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۷).

نظیر مبارزات مردم فلسطین و مبارزات مجاهدین افغانستان در برابر تجاوز روس‌ها و دفاع مردم ایران در برابر تجاوز رژیم عراق و این گونه مبارزات از مصادیق مبارزه مشروع است (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۱۴).

محاربه و موضع امام خمینی در برابر آن

محاربه از مصادیق مجرمانه قانونی در حقوق کیفری ایران است که به زعم برخی، از بسیاری از جهات با تروریسم شباهت دارد (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۴). اگر تروریسم را هم در مفهوم کلی محاربه در نظر بگیریم، می‌تواند تا حدود زیادی نظام قانونی کشور را از جرم‌انگاری نسبت به تروریسم بی‌نیاز کند. بر این اساس، رابطه محاربه و تروریسم را باید عموم و خصوص من وجه دانست (حکیمی‌ها، بی تا: ۱۳۳). تعریف محاربه در نزد فقها از یک وحدت نظر تبعیت نکرده است، و از این رو میان تعاریف موجود، اختلاف نظر وجود دارد. چهار دیدگاه عمده متفاوت درباره این تعریف وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- تعریف محاربه به «طی طریق و راهزنی»،
- ۲- تعریف محاربه به «تجرید السلاح لآخافه الناس»،
- ۳- تعریف محاربه به «محاربه بر وجه فساد»،

۴- تعریف محاربه به عنوان «مبارزه با حرکت های اسلامی و حکومت اسلامی» (حبیب زاده، ۱۳۷۹: ۱۴-۲۸).

به عقیده برخی، اگر تروریسم را به ایجاد رعب و وحشت معنی کنیم، می توان شبیه این جرم در حقوق ایران که متخذ از فقه اسلامی است، را جرم محاربه (موضوع ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی) دانست، که به معنای «محاربه عبارت است از برهنه نمودن سلاح، یا مجهز و آماده کردن آن، به منظور ترساندن مردم و ایجاد رعب و وحشت و سلب آسایش و امنیت عمومی، یا به قصد ایجاد فساد در زمین از طریق غارت مال با قهر و غلبه، اعم از اینکه در خشکی باشد یا در آب و یا هوا، در شب باشد یا روز، فاعل آن مرد باشد یا زن، در شهر باشد یا در روستا، از اهل ریه باشد یا نه»، و این تعریف با تعریف تروریسم منطبق است (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۲۷).

واژه ارهاب که به معنی خشونت سیاسی است. در فرهنگ اسلامی جایی ندارد. آنچه در قرآن کریم و سنت نبوی آمده، واژه ترهیب به معنای ایجاد خوف است که خصلت بازدارندگی دارد. مثلاً آیه مشهور «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال/ ۶۰) به معنای آن است که چنان عده و عده ای فراهم کنید که دشمنان از استعداد دفاعی شما به وحشت بیفتند و در شما طمع نکنند. واژه هایی چون فتک، غیله و محاربه که گاه معادل ترور و تروریسم به کار می روند، هر سه از نظر اسلام مردود شمرده شده اند. «فتک» به معنای در جایی پنهان شدن و کسی را بی محابا کشتن است که اسلام آن را مردود می داند. در قرآن کریم در مورد حرمت فتک آیه ای نیامده، اما در سنت و سیره نبوی در این مورد روایاتی ذکر شده است. از جمله روایت پیامبر اسلام (ص) که می فرمایند: «ان الایمان قید الفتک و لایفتک المومن» (طبری، بی تا: ۲۷۱) یعنی ایمان مانع کشتن پنهانی است. نخستین نشانه های بنیادگرایی اسلامی، که سر منشا خشونت گرایي اسلامی است را

باید در میان خوارج جست و جو کرد. ایده بنیادگرایی اسلامی را در حال حاضر باید در تفکراتی چون «وهابیت» و ... دید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷).

با آنکه جرم محاربه در قرآن به صراحت بیان شده و مجازات آن اعلام شده است ولی در اینکه آیا مجازات‌های تعیین شده در آیه یاد شده از باب تحبیر هستند یا ترتیب، میان فقها و مفسران اختلاف نظر وجود دارد. محاربه جزو جرایمی است که هدف مستقیم آن سلب نظم و آرامش و امنیت عمومی است.

امام خمینی علاوه بر کشیدن سلاح و ترسانیدن مردم قصد افساد در زمین را نیز بیان نموده اند «المحارب: هو كل من جرد سلاحه او جهزه لاختافه الناس و اراده الافساد فی الارض؛ فی برکان او فی بحر، فی مصر او غیره، لیلاً او نهاراً». «محارب کسی است که سلاح خود را برکشد و از غلاف بیرون آورد یا آماده کند برای ترساندن مردم و قصد افساد فی الارض نماید، در خشکی باشد یا دریا، در شهر باشد یا در خارج از آن، شب باشد یا روز» (خمینی، ۱۳۹۶: ۵۲۴).

بر اساس این نظر، برای تحقق محاربه علاوه بر به کار بردن سلاح و قصد اخافه، قصد افساد در زمین هم شرط است. این نظر مبتنی بر این برداشت از آیه ۳۳ سوره مائده است که موضوع حکم دو جزء دارد: یکی محاربه و دیگری افساد در زمین. یعنی عنوان مورد نظر جرم «محاربه بر وجه فساد» است، نه محاربه به تنهایی. در نتیجه، اگر هر یک از شرایط محاربه و افساد تحقق پیدا نکند، موضوع حکم مذکور در آیه تحقق نیافته است، زیرا محاربه و افساد هر یک جزئی از سبب هستند که با تحقق هر دو جزء سبب، مسبب، یعنی مجازات‌های اربعه قابلیت اجرا پیدا می‌کند. در واقع، مقوله ی محاربه و افساد با مجازات آن، مقوله سبب و مسبب است که تحقق یک جزء سبب، موجب اجرای مسبب نمی‌گردد، بلکه مجازات فقط هنگامی قابل اجراست که افساد فی الارض از طریق محاربه باشد و الا اگر محاربه موجب فساد نگردد، از شمول حکم آیه خارج است. هر چند پس از انقلاب اسلامی و اجرای قوانین جزای اسلام و

تدوین قانون حدود و قصاص در سال ۱۳۶۱ که در زمان حیات امام خمینی صورت گرفت - با علم به اینکه احکام محاکم انقلاب اسلامی و قانون مجازات اسلامی بر اساس فتاوی ایشان تنظیم و اجرا می شد- شرط افساد فی الارض ملاک قرار نگرفت. لکن از نظر اصولی به نظر می رسد شرط مذکور با ظاهر آیه و عمومیت آن موافق نیست، زیرا تقدم محاربه بر افساد از آن نظر است که رابطه آنها عموم و خصوص مطلق است، اما ایجاد فساد در روی زمین به طریق محاربه، مستلزم احکام خاص مذکور در آیه ۳۳ سوره مائده است و اگر فساد در زمین به طریق دیگری، غیر از محاربه، انجام شود (مانند تشکیل باندهای قاچاق مواد مخدر و باندهای توسعه فحشا و منکرات) حکم دیگری دارد که در آیه ۳۲ سوره مذکور «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» (مائده/۳۲) آمده است (خمینی ب، ۱۳۸۵: ۵۲۴).

در اسلام، اگر قتل کیفری دارد باید از طریق دادگاه صادر شود. البته این حق برای فرد باقی است که از خود دفاع کند و حکم بدون حساب و کتاب درباره او صادر نشود. اگر دیدید که امام خمینی در مورد سلمان رشدی حکم داد به خاطر این بود که او در کتابش به مقدسات اسلام اهانت کرد و مساله مهم بود. امام در آن زمان احساس کرد که صهیونیست بین الملل قصد دارد افرادی را تحریک کند تا بر علیه قرآن، پیغمبر اسلام (ص) شرارت کنند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). تفاوت میان دو واژه اغتیال و فتک، صرفاً به روش اقدام مرتبط است و در نوع اقدام، تفاوتی وجود ندارد. بنابراین هر دو واژه، دارای کارکردهای مشابه اند. البته در زبان امروز عرب از واژه اغتیال برای توضیح ترورهای سیاسی استفاده بیش تری می شود. در تفسیر اغتیال و فتک، الزاماً استفاده بیش تری می شود. در تفسیر اغتیال و فتک، الزاماً نمی توان معیار و انگیزه سیاسی را وارد کرد. در مقایسه تروریسم با واژه و مفاهیم بومی و اسلامی، عموماً آن را با اغتیال یا فتک منطبق نموده اند (عبداله فانی، ۱۳۸۶: ۱۹۵).

موضع گیری امام خمینی در خصوص تروریسم دولتی، بین‌المللی و گروهک‌ها

الف) بحث درباره «سلفی‌گری» را باید از مفاهیم مرتبط با آن آغاز کرد: «سلف» در لغت به معنی «پیشین» است. سَلَفٌ، یَسْلِفُ، سَلَفًا و سلوفاً، صیغه‌های صرفی و مصدر پیشی گرفتن است (محمد ابن مکرم، ۱۳۷۵ق: ۲۰۶۸). در معنای اصطلاحی «سلف» که بیش‌تر درباره پیروان احمد ابن حنبل استعمال می‌شود- نیز نظرات گوناگونی وجود دارد، که ارجاع تعدادی از این نظریات در این خصوص ذکر می‌گردد (بامری، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۵-۲۶. نظریه دکتر محمدسعید رمضان بوطی و نظریه دکتر سیدعبدالعزیز سیلی؛ ابوزهره، ۱۹۷۱م: ۲۱۱ (نظر ابوزهره)؛ پورامینی، ۱۳۹۵: ۳۳؛ حنبلی، ۱۹۵۳م: ۲۰۷-۲۱۵؛ ابن خزیمه، (بی تا): ۱۱-۱۹-۲۳).

ابن تیمیه نقطه عطفی در تاریخ اهل حدیث و حنابله بود و شکل‌گیری اصول سلفی‌گری مرهون اوست؛ وی تأکید فراوانی بر تبعیت مذهب سلف داشت و در کتاب «الفتوی‌المحمویه الکبری»، بارها از عقیده سلف یاد کرده، معتقد است «در عقل صریح و نقل صحیح چیزی که مخالف طریقه سلفیه باشد، وجود ندارد» (مسکه الیعقوبی، ۱۳۹۴، سایت سلفیون). در خصوص گروه‌های سلفی در عصر حاضر بیش‌تر نویسندگان بر تقسیم‌بندی آنان در سه دسته، سنتی، میانه رو و افراطی «تکفیری» اشتراک نظر دارند. سلفی‌های سنتی تمایلی به احزاب و جریان‌های سیاسی ندارند و معتقد به گسترش اسلام از طریق اهمیت دادن به بخش عملی دین هستند و در چارچوب حفظ نظم موجود حرکت می‌کنند. سلفی‌های میانه رو با وهابیت و سنتی‌ها ارتباط چندانی ندارند و معتقد به تجدید حیات اسلامی بر مبنای اعتدال هستند. با پایان جنگ سرد، گرایش جدیدی با عنوان سلفی افراطی در گروه‌های طرفدار احیای مذهبی شکل گرفت؛ آنها معتقدند که تفکرات دو گروه اول هرگز به نتیجه نخواهد رسید. سلفی‌ها افراطی که تحت عناوین سلفی- تکفیری «جهادی» از آنها یاد می‌شود، عمدتاً متأثر از ابن تیمیه می‌باشند (ابن تیمیه، ۱۴۳۰ق: ۴۶). واژه تکفیری از کلمه

تکفیر، به معنای نسبت دادن کفر به دیگران است. این ایدئولوژی تکفیری بر اساس دیدگاه سیدقطب توسعه داده شد. این ایدئولوژی با سلفی گری نوبنیادگرا که مفهوم اسلام را تحت محاصره مسیحیت، صهیونیسم و نیروهای سکولار می بیند، تلفیق شده است. آنها در تلاش هستند تا با ایجاد یک خلافت پان اسلامی ضمن توجه به اصول بنیادین سلفی، تمام جهان را تحت سلطه ایدئولوژی افراطی خود قرار دهند. «وهاب» در لغت، صیغه مبالغه است و به کسی اطلاق می شود که هدیه ای را بدون توجه به عوض گرفتن یا غرض نفسانی مانند رسیدن به مقام و ... ببخشد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۱۱).

درباره معنای اصطلاحی وهابیت نظرات مختلفی ارائه گردیده است که به مهم ترین آنها می پردازیم: احمد امین، نویسنده معروف مصری، در این باره می گوید: «محمد بن عبدالوهاب و پیروانش خود را موحدین می نامیدند و نام وهابی را دشمنانش بر ایشان اطلاق کرده اند. سپس این نام بر زبان ها افتاد» (امین، بی تا: ۱۰). سیدمحمدامین در این ارتباط می نویسد: «وهابیت نام فرقه ای است که محمد عبدالوهاب آن را بنیان نهاد. وهابیان در فقه، پیروی مذهب حنبلی و در عقاید و برخی فروع، بر روش ابن تیمیه اند و خود را «سلفیه» می خوانند» (امین عاملی، بی تا: ۷-۱۲).

در اصطلاح فرقه شناسان وهابیت، شعبه ای از مسلمانان است که در عربستان در ناحیه «نجد» توسط محمدبن عبدالوهاب در اواخر قرن دوازدهم هجری تاسیس گردید و برای تفکر عقلانی در فهم درست متون دینی هیچ ارزشی قائل نیستند و تنها به ظاهر آیات و احادیث اکتفا می کنند (امین، ۱۳۹۱: ۱۶۱).

اهل سنت از نظر فقهی پیروی یکی از مذاهب چهارگانه اند که به ترتیب تاریخی عبارتند از: مذهب حنفی، مذهب مالکی، مذهب شافعی و مذهب حنبلی و از نظر کلامی نیز اهل سنت دارای مکتب های مختلف کلامی هستند. از آن جمله مذهب

اشعری و در گذشته معتزله بوده است. البته امروز نو معتزلیان را نیز باید در ردیف مکاتب کلامی جدید شمرد. آن چه بررسی شخصیت و اندیشه احمد ابن حنبل را در میان مذاهب اسلامی ضروری می‌کند، ادعای سلفی‌گری وهابی مبنی بر وابستگی و پیروی این مکتب از احمد ابن حنبل است. آنان با ادعای پیروی از وی، می‌کوشند برای خود ریشه و پیشینه‌ای در جهان اسلام فراهم کنند؛ امام حنبلیان هرگز آنان را به رسمیت نشناخته است. دانشمندان خیلی کتابهای مختلفی بر ضد سلفی‌گری وهابی که ادامه سلفی‌گری «ابن تیمیه»، «سلفی‌گری اعتقادی» است، نوشته‌اند.^۱ هم‌چنین میان مکتب حنبلی و وهابی‌گری تفاوت‌های بسیاری وجود دارد که خود نیازمند پژوهشی جداگانه است.

امام خمینی در مورد وهابیت این نکته را ذکر می‌کند که حتی اهل سنت نیز آنها را قبول ندارند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۴۵۴). امام با اشاره به آیه «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَأَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه/۱۹) «شما کوردلان آبرسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می‌کنند، مساوی قرار داده‌اید. حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی‌کند». از آیه استفاده نموده‌اند و می‌فرمایند: خدمت وهابیون به حجاج خانه خدا قابل مقایسه با مجاهدت مسلمانان ایران در مبارزه با استکبار و استعمار نیست (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۵۲).

ایشان در جای دیگری، حرم امن الهی را مغضوب وهابیت و اصطلاح خادم الحرمین را همچون نام مجاز به مملکت سعودی جعل وهابیون دانسته و این وقایع را مسائل بغرنج و تحمل‌ناپذیر شمرده‌اند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۷۱). امام، وهابیت را مذهبی

^۱ نخستین کتاب دانشمندان حنبلی بر ضد محمد ابن عبدالوهاب، کتاب برادرش سلیمان بن عبدالوهاب با عنوان «الصواعق الالهيه» است.

سراپا بی اساس و خرافاتی و تمسک ظاهری آنان به قرآن، از جمله چاپ قرآن‌های نفیس را در جهت از بین بردن اسلام و قرآن واقعی می‌دانند و مراکز وهابیت را کانون‌های فتنه و جاسوسی که به دنبال ترویج اسلام آمریکایی می‌باشند، معرفی می‌نمایند^۱ (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۸۶). ایشان در بیانی دیگر عامل همه اشتباهات آل سعود را علمای مزدور وهابی دانسته، فتوای آنان را در حرمت برائت از مشرکین، مخالف با آیات قرآن و سنت رسول معرفی می‌کنند^۲ (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۸۶). امام خمینی وهابیت و بهائیت را دو روی یک سکه می‌دانند که عامل نفوذ استکبار هستند^۳ (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۲۰۵) و در نهایت سرکوب خونین حجاج در روز جمعه، ششم ذیحجه سال ۱۴۰۷ هـ ق سبب گشت که امام در پیامی در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ آل سعود را افرادی ناجوانمرد و حجاج ایرانی را بت شکنانی که به بت کفر و نفاق حمله کرده بودند معرفی نمایند و بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی را عدم درک فلسفه واقعی احکام الهی و تبدیل حج به یک عبادت خشک و حرکتی بی حاصل می‌دانند.^۴ (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۷۶)

عمق فاجعه را تا حدی می‌دانند که اعلام می‌نمایند: «اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردن بگذریم، نمی‌توانیم (از) مساله حجاز بگذریم. مساله حجاز یک باب دیگری است، غیر (مسائل) دیگر (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۶۸-۳۶۹) و در جای دیگر وهابیت را ملحدینی می‌دانند که باید با آنها محاربه نمود (خمینی

^۱ پیام به مردم ایران در سالگرد کشتار خونین مکه

^۲ پیام به مسلمانان ایران و جهان به مناسبت ایام حج، ۱۲ شهریور ۱۳۶۲ / ۲۵ ذی القعدة ۱۴۰۳ با اشاره به سوره

آیه ۳

^۳ ۱۴ شهریور ۱۳۶۷

^۴ پیام به مردم ایران در سالگرد کشتار خونین مکه

الف، ۱۳۸۵: ۳۷۰). جدایی دین از سیاست هم از انتقادات دیگری است که امام خمینی بر این جریان وارد دانسته‌اند^۱ (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

ب) امام خمینی از حکومت پهلوی به عنوان تروریسم دولتی یاد نموده‌اند. از آن تحت عنوان حکومت اختناق و ترور (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۷) حکومت سر نیزه که در برابر عواطف مردم دوام ندارد (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۴۵۹). در پیامی اشاره می‌کنند «... ممکن است پس از چند روز دیگر ... از اولاد من یکی ترور بشود، یا خودم. اینها باید بدانند که نهضت ما قائم به شخص نیست، نهضت ما همگانی است؛ همه ملت رهبرند؛ همه بیدار شده‌اند. گمان نکنند که با ترور، کاری انجام می‌دهند و ملت ما راه خود را یافته، ما از این دسیسه‌ها نمی‌ترسیم (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۴۹۵). امام خمینی از آمریکا به عنوان تروریسم دولتی و تروریسم به بالذات یاد می‌کنند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۹۸). این‌هایی که مخالف با ترور هستند، مرکز ترور هستند.^۲ سرچشمه تروریسم از کاخ سفید می‌جوشد (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۹۴).

ج) آمریکا، این تروریست بالذات، دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او، صهیونیسم جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی (را) مرتکب می‌شود که قلم‌ها از نوشتن و زبان‌ها از گفتن آن شرم دارند و خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ، آنان را به هر جنایتی می‌کشاند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۹۸) و در انتقاد از بیرون آمدن عراق از لیست تروریستی، عراق را عامل آمریکا می‌دانند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۳۵-۴۳۴-۴۳۵).

د) امام خمینی فرانسه را تروریسم دولتی می‌دانند: «دولت فرانسه آبروی ملت فرانسه را می‌برد، ... هرچه تروریست است جمع می‌شود در فرانسه، بعد هم خودش تروریستی

^۱ ۱۸ مهر ۱۳۶۰ ذی‌الحجه ۱۴۰۱، خطاب به خالد بن عبدالعزیز (پادشاه عربستان سعودی)

^۲ خمینی الف، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۹۴

می‌کند. یک کسی او را می‌زند؛ به واسطه اینکه جنایتکار است. او می‌زند یک کس دیگر را می‌کشد» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۲۲۴-۲۲۳).

ه) امام خمینی، اسرائیل را تروریسم دولتی می‌داند و برای مقابله با آن از حربہ های تحریم نفتی بهره می‌بردند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۴۹) و هم چنین اعلام آخرین روز ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس از دیگر ابتکارات ایشان در این زمینه بوده اند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۲۶۷). امام خمینی ماهیت حکومت اسرائیل را غاصبانه می‌دانست و از فلسطینیان می‌خواست که این لکه فساد و استعمار را از بین ببرند (پورتال امام خمینی، ۱۳۹۹/۷/۱۴).

و) گروه فرقان: از جمله گروه‌هایی که بعد از انقلاب ترور شخصیت‌هایی چون: تیمسار قرنی، دکتر مرتضی مطهری، ترور نافرجام آقای هاشمی رفسنجانی و ... به آنها نسبت داده شده است^۱ (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۷۹؛ خمینی الف، ۱۳۸۵: ۵۲۶). راهکار امام خمینی در برابر این گروه این بود که قربانیان ترور را شهید معرفی کردند و از پاسداران و دادگاه‌های انقلاب خواستار پیگیری و برخورد شدید با این عوامل شدند.

در خصوص ترور دکتر مطهری اشاره می‌کنند که: «این رجل فاجری که خون عزیز ما را به زمین ریخت، تاکید کرد دین خدا را. یعنی خدا دین خودش را به او تایید کرد. با ریختن خون عزیز ما، تایید شد انقلاب ما. این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند، و زنده ماندنش به این خونریزی هاست. بریزید این خونها را؛ زندگی ما دوام پیدا می‌کند، بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

^۱ پیام ۵ خرداد ۱۳۵۸ به مناسبت ترور نافرجام آقای هاشمی رفسنجانی

ز) سازمان مجاهدین خلق: از دیگر سازمان‌های برانداز در زمان حیات امام خمینی، مجاهدین خلق بودند که ترورهای بسیاری از جمله ترور دکتر بهشتی و باهنر (نخست وزیر)، آقای رجایی (ریاست جمهوری) منسوب به این سازمان می‌باشد. این سازمان از ابتدای شکل‌گیری در سال ۱۳۴۴ تا بعد از پیروزی انقلاب سه محور التقاطی، گرایش به مارکسیسم و نفوذ در سطوح بالای نظام جمهوری اسلامی ایران، را گذرانده اند. مجاهدین اسلام موردنظر امام خمینی را سنتی، تحریف شده و دارای انحراف طبقاتی عنوان می‌نمودند (رجوی، ۱۳۵۸: ۶) و اسلام اصیل تفسیر خود سازمان (نه تفسیر فقها و مفسرین) از قرآن و نهج البلاغه با توجه به شرایط روز جامعه به حساب می‌آمد (سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۶).

امام خمینی در خصوص این جریان اشاره می‌کنند به این نکته که: «این مدعیان مجاهدت برای خلق، چه جنایاتی که مرتکب نشده‌اند؛ از قیام مسلحانه و کشتار مردم بی‌گناه کوچه و بازار تا آتش سوزی‌ها و انفجارها و ترورها- که اکثراً کودکان و زنان و مردان مستمند و مظلوم طعمه‌ی جنایات غیرانسانی آنان بوده‌اند و اکنون نیز ادامه دارد و از ابتدای پیروزی انقلاب اینان درصدد به دست گرفتن قدرت بوده‌اند و از پادگان‌ها و کلانتری‌ها بیت‌المال مسلمین را، از مهمات تا انواع سلاح‌های کوچک و بزرگ به غارت برده و یا دزدی از بانک‌ها و ده‌ها جنایت در سرتاسر کشور، خانه‌های تیمی تدارک دیده و با قیمت‌های زیاد اجاره کرده و مراکز خیانت به ملت را هر چه بیش‌تر تقویت نمودند که بحمد... تعالی با قوای مسلح و پشتیبانی ملت اکثر آنها کشف شده است. و از هر چیز جنایت بارتر، گول زدن دختران و پسران کم‌سال ناآگاه و به فساد کشاندن آنها و هم‌چنین وادار نمودنشان به ترور و آتش سوزی است» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۱۲۷).

امام خمینی لقب منافقین را به این سازمان می‌دهند. «اینها ... همه را گول می‌زنند، اینها می‌خواستند من را گول بزنند، من نجف بودم، این‌ها آمده بودند که من را گول

بزنند ... مع الاسف از ایران هم بعضی از آقایان که تحت تاثیر آن ها واقع شده بودند، ... آن ها هم اغفال کرده بودند آن ها را، آن ها هم به من کاغذ سفارش نوشته بودند ... اینها با خود قرآن، با خود نج البلاغه می خواهند ما را ... قرآن و نهج البلاغه را از بین ببرند(خمینی الف، ۱۳۸۵: ۴۶۶-۴۶۵).

منافق ها هستند که بدتر از کفار هستند ... آن که می گوید مسلمان هستم و به ضد اسلام عمل می کند»(خمینی الف، ۱۳۸۵: ۴۵۷-۴۵۸).

ح) امام خمینی بر ادامه مبارزه و عدم ترس از ترور تاکید می کند ایشان تروریست های شبه دولتی را وابسته به قدرت های بزرگ جهانی می داند و آنان را جزء کارمندان و مجریان طرح های استعماری قلمداد کرده، می فرماید: دولت ها و ابر قدرت ها و دستگاه های تبلیغاتی همه جانبه عالم از آن ها حمایت می کند و بر ضد ملت ایران آن ها را ترویج می کنند و از آن ها نگهداری می کنند»(خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

ط) هدف از ترور علمای متعدد: تا به حال یک آخوند درباری (روحانی نما) یا یک روحانی وهابی ندیده ام که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوری متجاوز و آمریکای جهانخوار ایستاده باشد. در ایران «بهشتی ها» و «مطهری ها»، در عراق «صدرها» و «حکیم ها» و در لبنان «راغب حرب» ها و «کریم» ها، و در پاکستان «عارف حسینی» ها، و در تمامی کشورها روحانیون درد آشنای اسلام ناب محمدی (ص) هدف توطئه و ترور می شوند(خمینی الف، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

امام خمینی ترور را نشان ضعف دشمن می داند(خمینی الف، ۱۳۸۵: ۹۴۰) و معتقدند کسی که برای خدا قیام کند شکست و عقب نشینی ندارد(خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۴۵) و در جای دیگر این مطلب از ایشان نقل شده است: «تروریست ها نمی توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند. آنان بدانند که به خواست خدای توانا ملت ما با

رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۷۹).

امام خمینی هدف از ترورها را منحرف کردن مردم از راه اسلام می‌داند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۲۵۷-۲۵۸). ترور را حرکت مزبوحانه‌ای که اراده را مصمم‌تر و حقانیت مکتب را واضح‌تر می‌نماید بیان می‌کنند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۸۵) و محکوم نمودن سازمان‌های بین‌المللی به دلیل سکوتشان نسبت به اقدامات تروریست‌ها «(خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۱۴).

ی) در مجازات‌ها و کیفرهایی که امام خمینی برای محارب بیان نموده‌اند می‌توان به: «محارب به طور زنده به دار آویخته می‌شود و ابقای او به طور آویختگی بیش از سه روز جایز نمی‌باشد. سپس پایین آورده می‌شود. پس اگر مرده باشد غسل و کفن می‌شود و بر او نماز خوانده می‌شود و دفن می‌گردد. و اگر زنده باشد بعضی گفته‌اند در قتل او تسریع می‌شود ولی این مشکل است؛ البته ممکن است گفته شود که جایز است طوری مصلوب شود که به سبب آن بمیرد، ولی این هم خالی از اشکال نیست» (خمینی، ۱۳۹۶: ۴۹۳).

«قول قوی‌تر در حد محارب، اختیار حاکم بین قتل، به دار آویختن، قطع به طور مخالف و نفی بلد است. و بعید نیست که برای حاکم بهتر است باشد که جنایت را ملاحظه کند و آنچه مناسب است را اختیار کند. پس اگر کشته است قتل یا صلب را اختیار کند، و اگر مال را برداشته است، قطع را اختیار نماید، و اگر فقط شمشیر کشیده و ترسانده، نفی بلد را اختیار نماید» (خمینی، ۱۳۹۶: ۴۹۳).

با بررسی روایت‌ها به نظر می‌رسد که اگر ترتب را شرط بدانیم بهتر است؛ یعنی نسبت به مقدار جنایت، حکم را برای جانی در نظر بگیریم «(موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

«محرابه با یک مرتبه اقرار و بنا بر احوط (استحبابی) با دو مرتبه، و با شهادت دو عادل ثابت می‌شود» (خمینی، ۱۳۹۶: ۴۹۲).

«قاضی اجازه دارد که در حقوق الله و حقوق الناس به علم خود عمل کند» (خمینی، ۱۳۹۶: ۴۰۸) و ارتباط بین محاربه و افساد فی الارض نیازمند پژوهشی جداگانه است. ک) جهاد از جمله مفاهیمی است که در گزاره های مذهبی می‌تواند نقش فعال دین را در مبارزات اجتماعی- سیاسی نشان دهد، که این مبارزه خود می‌تواند جنبه خشونت آمیز به خود گرفته و برداشتی تروریستی را از دین موجب شود. این امر به ویژه در اسلام جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است، و به ویژه در سال‌های اخیر، بحث های فراوانی را ایجاد کرده است. از نظر اعتقادی جهاد از واجبات اسلام است، و آیات متعددی در قرآن را به خود اختصاص داده است که از نظر تعداد، بیشتر از سایر احکام اسلامی است (منتظری، ۱۳۶۷: ۲۱۹).

جهاد از نظر لغوی «یعنی کوشش برای حق»، و در مباحث فقهی در باب عبادات آمده است (طالقانی، ۱۳۸۵: ۲۱). جهاد در یک تقسیم بندی خود بر دو گونه است:

۱- جهاد ابتدایی که واجب کفایی است و جهاد تدافعی که واجب عینی است. فقهای شیعه و سنی درباره جنگ ابتدایی بر ضد کافران، حتی اگر در جایگاه صلح و سازش باشند. هم باور و هم عقیده‌اند. با این تفاوت که بیش تر فقهای شیعه این گونه جنگ را تنها در زمان امام معصوم (ع) جایز می‌دانند (طالقانی، ۱۳۸۵: ۲۳). در کنار جهاد ابتدایی یا پیش‌دستانه، جنگ تدافعی وجود دارد.

۲- جنگ تدافعی زمانی پیش می‌آید که دشمن به سرزمین اسلامی تجاوز کرده است، یا با این که عملاً تجاوز نکرده به اعمال دور از تحمل دست می‌زند (حمید...، ۱۳۸۰: ۱۹۰). در مورد وجوب جهاد دفاعی کم تر بحثی میان فقهای شیعه و سنی وجود دارد، به علاوه که چنین ایده ای در صورت ظهور یافتن، عمدتاً به صورت جنگ ظاهر می‌شود. دسته بندی های دیگری نیز از جهاد را می‌توان مورد اشاره قرار داد. نخستین

مورد، جنگ برای کمک و همدردی با مسلمانان است. بر اساس این دیدگاه هر گاه مسلمانی که در کشوری غیراسلامی زندگی می‌کند، علیه آن دولت از حکومت اسلامی طلب کمک کند، دولت اسلامی باید آن‌ها را یاری کند. در این زمینه سوره ۸ آیه ۷۲ و سوره ۴ آیات ۷۶-۷۵ به عنوان دلیل ذکر می‌شوند (حمید...، ۱۳۸۰: ۱۹۲-۱۹۱). دومین مورد، جنگ تنبیهی است به معنای جنگ با اهل ردت، و نصرت دین حق، و ستیز با مردان (اشراق، ۱۳۶۰: ۲۰۰-۲۰۵) مورد دیگر جنگ آرمانی است که بر اساس آرمان‌های امت اسلامی صورت گرفته و توجیه می‌شود. هرچه آرمان‌های یک ملت عمیق‌تر باشد اقدامی که برای تحقق آنها به عمل می‌آید نیز عظیم‌تر است. جنگ آرمانی در راستای نابودی الحاد و شرک سوره ۹ آیه ۲۳ و سوره ۴۸ آیه ۲۸ و سوره ۶۱ آیه و سوره ۳ آیه ۱۱۰ ذکر گردیده است. جهاد فرسایشی مورد دیگری است که «به معنای جهادی است غیر رویاروی که هم می‌تواند جانی و هم مالی باشد و آن وقتی است که دشمن یک یا تعداد بیش‌تری از شریان‌های حیاتی‌اش به مسلمین وابسته باشد و مجاهدین بتوانند با فلج کردن آن، ضربه مهلکی بر پیکر آنان وارد کنند تا مسلمانان به اهداف خود برسند (اشراق، ۱۳۶۰: ۲۲۶). این جهاد غیر رویاروی در شیوه عملکرد خود بسیار به اقدامات تروریستی شبیه است و این نکته که غیر مسلمان بودن طرف برای استفاده از این ایده کفایت می‌کند، می‌تواند بسیار خطرناک و مساله برانگی باشد. این عقیده می‌تواند در صورتی که برداشتی افراطی نسبت به آن صورت گیرد. اقدامات تروریستی را موجب شده، یا دامن بزند. نمونه آن گروه القاعده است که مسئولیت بسیاری از رخدادهای دهه آخر قرن بیستم و سال‌های آغازین سده بیست و یکم را بر گردن گرفته است. بر مبنای این برداشت از مفهوم جهاد، برخی قتل غافلگیرانه را نیز می‌پذیرند و اساساً آن‌ها را ترور نمی‌دانند (احسان بخش، ۱۳۷۹: ۳۴۶). واکنش به توهین، واکنش به تحمیل عقاید بیگانگان و برداشت ناصحیح از

آموزه‌های دینی را می‌توان از مجراهای شناسایی نقش مذهب در بروز خشونت عنوان نمود (Fox, 2002).

خداوند، تمامی موجودات را مجهز به قدرت دفاع از خود کرده است. «دفاع» در لغت از ماده دفع و به معنای راندن و دور کردن است، و در اصطلاح عبارت است از دفع و رد کردن تهاجم دشمن (معلوف، ۱۳۸۷: ۴۵۷) در لغت نامه دهخدا، واژه دفاع این چنین معنا شده است: «دفاع یعنی موج بزرگ از دریا، هر چیز بزرگ که بدان مثل وی دفع کرده شود، چیز عظیم و بزرگ که بدان، مانند خودش را دفع کند و هم چنین دفاع کردن به معنی دفع تعارض است». از لحاظ اصطلاحی، امام خمینی دفاع را اینگونه تعریف می‌کند: «جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفع اجانب و راندن آن‌ها از سرزمین اسلامی». دفاع یعنی واکنش و عکس‌العملی که هر موجودی در مقابل هجوم یا تهدید و خطری که متوجه او شده است. بروز می‌دهد تا خود را از آسیب، محافظت نماید. دفاع در فقه بر دو قسم است: که در تحریر الوسیله امام خمینی این گونه آمده است: یکی از آن‌ها دفاع از اساس اسلام است. دوم آن‌ها «دفاع» از خودش و مانند آن است. و هو علی قسمین: احدهما الدفاع عن بیضه‌الاسلام و حوزته، ثانیها عن نفسه و نحوها (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۲۶). اما هرگاه کیان اسلام و نظام اسلامی یا گروهی از مسلمانان مورد تهدید و تهاجم قرار گرفت بر همه مسلمانان (البته این تکلیف بصورت واجب کفایی است) که با تمام توان و با بذل جان و مال خویش تجاوز دشمن را دفع نمایند. این نوع دفاع در فقه اسلامی به عنوان جهاد دفاعی مطرح شده است. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: اگر دشمنی که از او بر اساس اسلام و جامعه اسلامی ترس باشد شهرهای مسلمانان یا مرزهای آنها را مورد هجوم قرار دهد. بر مسلمانان واجب است که از آن به هر وسیله‌ای که ممکن است با بذل مال و جان، دفاع نمایند. این دفاع مشروط به حضور امام (ع) و اذن نائب خاص یا عام او نیست، پس بر هر مکلفی بدون هیچ قید و شرطی واجب است به هر وسیله‌ای که

باشد دفاع نمایند «لو غشی بلاد المسلمین أو ثغورها عدوٌ یُحشی منه علی بیضه الإسلام ومجتمعهم، يجب علیهم الدفاع عنها بآیه وسیله ممکنه من بذل الأموال و النفوس لا یشترط ذلك بحضور الإمام علیه السلام وإذنه، ولا إذن نائبه الخاصّ أو العام، فیجب الدفاع علی کلّ مکلف بآیه وسیله بلا قید و شرط» (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۲۶). امام خمینی همچنین در تحریر الوسیله در باب «دفاع» اشاره می نمایند:

مسئله ی یک: اگر دشمنی که از او نسبت به اسلام و کیان اسلامی بیمناک هستیم، کشورهای اسلامی و یا مرزهای آن را مورد هجوم قرار دهد، بر مسلمان ها واجب است که از آن (کشورها و مرزهای اسلامی) به هر وسیله ممکن با بذل جان دفاع نمایند.

مسئله دوم: این دفاع، مشروط به حضور امام (ع)، اذن او و نائب خاص یا نائب عام او نیست، پس دفاع بر هر مکلفی بدون هیچ قید و شرطی و با هر وسیله ممکن واجب است.

مسئله سوم: اگر از تسلط بیش تر و گسترش سلطه دشمنان بر کشورهای اسلامی و تصرف آن ها توسط دشمن یا اسیر نمودن مسلمانان بیمناک باشیم، دفاع با هر وسیله ممکن واجب است.

مسئله چهارم: اگر از سلطه سیاسی و اقتصادی دشمنان در قلمرو اسلام بیمناک باشیم؛ به طوریکه سلطه بر اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمانان و تضعیف اسلام و مسلمانان بیانجامد، در این صورت دفاع با ابزارهای مشابه و مقاومت های منفی؛ مانند: خریدن کالاهای آنان و ترک استفاده از آن و ترک هرگونه مراوده و معامله با آنان واجب است.

مسئله پنجم: اگر در روابط اقتصادی و غیر آن بر قلمروی اسلام و کشورهای اسلامی، از تسلط سیاسی یا غیرسیاسی بیگانگان که موجب استعمار آنان یا استعمار بلادشان

می‌گردد؛ ولو از جهت وابستگی معنوی بیمناک باشیم، اینگونه روابط حرام بوده و اجتناب از آن بر همه مسلمانان واجب است.

مسئله ششم: اگر روابط سیاسی دولت‌های اسلامی با بیگانگان سبب سلطه آنان بر کشورهای اسلامی یا نفوس بر اموال مسلمانان شود و یا سبب اسارت سیاسی مسلمانان گردد، چنین روابط و مناسباتی بر روسای دولت‌ها حرام است و پیمان‌هایشان (با بیگانگان) باطل بوده و ارشاد آنان بر مسلمانان حتی با مقاومت منفی و الزام به ترک اینگونه روابط واجب است.

مسئله هفتم: اگر از هجوم بیگانگان به یکی از دولت‌های اسلامی بیمناک باشیم، دفاع از آن بر تمام دولت‌های اسلامی و سایر مسلمین واجب است.

مسئله هشتم: اگر یکی از دولت‌های اسلامی پیمانی ببندد که مخالف مصلحت اسلام و مسلمانان باشد، باید سایر حکومت‌های اسلامی با ابزارهای سیاسی یا اقتصادی مانند قطع رابطه سیاسی و بازرگانی با آن حکومت کوشش کنند تا آن پیمان را بر هم بزنند و سایر مسلمانان باید با هر گونه مقاومت منفی ممکن بر این کار اهتمام بورزند و چنین معاملات و پیمان‌هایی در شرع مقدس اسلام حرام و باطل است.

مسئله نهم: اگر بعضی روسای حکومت‌های اسلامی یا بعضی نمایندگان دو مجلس^۱ سبب نفوذ سیاسی یا اقتصادی بیگانگان بر مملکت اسلامی گردند، به طوری که از این نفوذ نسبت به کیان اسلام یا استقلال مملکت ولو در آینده بیمناک باشیم، این رئیس مملکت یا نماینده خائن به شمار آمده و بر فرض که در هنگام تصدی آن مقام، بر اساس حق حکومت کرده باشد، از مقامش - هر مقامی باشد - معزول است؛ امت اسلامی باید ولو با مقاومت منفی مانند ترک معاشرت و معامله با او و روی

^۱ از آنجا که امام خمینی کتاب تحریر الوسیله را پیش از انقلاب نگاشته‌اند با توجه به وجود دو مجلس شورای ملی و سنا در آن زمان، از آن‌ها به «مجلسین» تعبیر کرده‌اند.

گردانی از وی با هر شیوه ممکن او را مجازات نمایند و او را از تمام مسئولیت های سیاسی برکنار کرده و در محروم کردن وی از حقوق اجتماعی اهتمام ورزند. مسئله دهم؛ اگر از ناحیه روابط بازرگانی دولت های (اسلامی) با تجار (مسلمانان) با بعضی از دولت ها با تجار بیگانه، خطر و نگرانی ای متوجه بازار و زندگی اقتصادی مسلمانان شود، ترک این روابط ضروری بوده و چنین تجارتی حرام است. در صورت وجود این خطر و نگرانی، رؤسای مذهب و علما باید کالاهای بیگانگان و تجارت با آن ها را بر اساس مقتضیات زمان تحریم نمایند، امت اسلامی باید (در این مساله) از علما پیروی نموده و در قطع این روابط جدیت نمایند (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۲۶). از جمله اصول اندیشه دفاعی اسلام، اصل مصلحت است که مقدم بر سایر اصول و احکام می باشد از حوزه های مبتنی بر این اصل، عرصه امنیت و دفاع از جامعه اسلامی را می توان ذکر کرد. رعایت و پایبندی به بسیاری از اصول، اهداف و استراتژی های سیاست های دفاعی دولت اسلامی، با مدنظر قرار دادن این اصل شکل می گیرد. این اصل بر آیندی از منافع ملی و مسئولیت های فراملی خواهد بود. مقصود ما از مصلحت آن چیزی است که ملاک تصمیم سازی ها و برنامه ریزی و ترجیح برخی اصول در برخی دیگر، انتخاب روش های اجرایی و تعیین اهداف و ارزش گذاری آن ها و اولویت بندی در سیاست دفاعی دولت اسلامی باید باشد، پس قلمرو آن از منافع ماده و فعلی و مصالح صرف دولت اسلامی فراتر می رود و بلکه گستره این اصل، منافع مادی، معنوی، فعلی و آینده افراد و هم حکومت و حتی نسل های آینده را مدنظر دارد. بر اساس این اصل، در مقام تعارض و تزاخم باید منفعت اصلح را یافت تا گذشت زمان برای تصمیم گیران و آیندگان، ندامت و سرزنش به بار نیاورد. با تشکیل جمهوری اسلامی ایران، مصلحت شرط اصلی احکام حکومتی دانسته شد و تصمیم گیری درباره موضوعات حکومتی با ملاحظه این اصل است. ملاک اصلی تحقق مفهوم مصلحت، آن است که منافع آن عمومی باشد (خمینی، ۱۴۱۵: ۴۳). مصالحی از قبیل

نیروهای نظامی، جنگ با دشمنان، و آنچه تشکیل حکومت بدان نیازمند است و نیازهای حکومت از قبیل تعمیر جاده ها و خیابان ها و احداث پل ها و امثال آن هاست (خمینی، ۱۴۱۵: ۴۵-۴۶). این مصالح، ممکن است از منفعت مادی یا معنوی باشند (حسینی شیرازی، بی تا: ۲۱۹).

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نسا/۱۴۱) خداوند هرگز بر [زیان] مومنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. آیه شریفه در مقام بیان یک هشدار و توجه به مسلمین بوده باشد که از سیطره و سلطه کفار به هر نحوی که ممکن است خارج شوند، زیرا حکومت آن ها جنبه الهی ندارد و از طرف حق تعالی نمی باشد. امام خمینی بر پایه همین اندیشه، حفظ استقلال و آزادی اسلامی و نفی هرگونه سلطه و نفوذ اجانب شرق و غرب را از محورهای اصولی نظام اسلامی دانسته و در بیانات، پیام ها و وصیت نامه الهی خود به این مهم اشاره کرده اند (نوحی، ۱۳۸۶: ۳۳۰-۳۳۱). در پیامشان بر انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا، استقلال و آزادی از دام دو قطب شرق و غرب را از امانت های الهی برشمرده اند که همه ملت مسئول نگهداری از این امانت بزرگ می باشند (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۳۴۷).

«وصیت من به وزارت خارجه در این زمان و زمان های بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است ... و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هرچند ممکن است ظاهر فریبنده ای داشته باشد یا منفعت و فایده ای در حال داشته باشد. لیکن در نتیجه کشور را به تباهی خواهد کشید (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۴۲۷). از نظر امام خمینی مفاد قاعده نفی سیل، مستندات و ابعاد حکومتی اسلام است.

«ما به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها صلح باشد؛ لیکن اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند ما با تمام قوا مقابله می کنیم» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۲۶۱).

نتیجه گیری

هنگامی که تاریخ اسلام را مطالعه می‌کنیم و زمانی که حوادثی که در طول بیش از ۱۴۰۰ سال به وقوع پیوسته، نگاه می‌کنیم؛ متوجه می‌شویم عدم آگاهی و بینش مسلمانان در زمینه‌های مختلف آنان را به گمراهی کشانده و موجب گردیده با دست خود یکدیگر را نابود کنند. جدایی از قرآن و یا تفسیر به رای نمودن آیات قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار (ع) سبب گشته دشمنان از خود مسلمانان سوء استفاده کنند. همان طور که اعمال و رفتار فردی ریشه در اعتقاد و تفکر خود دارد. برنامه‌ها و خواهش‌های هر سازمان نیز ریشه در «ایدئولوژی» و «اندیشه» رهبران آن سازمان یا گروه سیاسی دارد. ترور و تروریسم، به عنوان یک پدیده و جرم سیاسی دارای انگیزه‌های فردی و فراشخصی شناخته می‌شود تا یک پدیده صرف جنایی. دفاع مشروع آزادی بخش و مبارزات ملی بر اساس اصول و معیار انسانی، قابل ستایش و جدا از اقدامات جنایتکارانه تروریستی است. با توجه به سخنان امام خمینی، ترور و تروریسم از نظر مصداقی شامل تروریسم گروهی، دولتی و بین‌المللی و جهانی می‌تواند باشد. در دیدگاه ایشان، تروریسم از نظر ماهوی دارای اهداف شیطانی و ضدانسانی و ضدالهی است و لحاظ این هدف یک نوع تمایزی میان دو گفتمان غربی و اسلامی را درباره تروریسم پدید آورده است. از دید امام خمینی، اسلام با ترور مخالف است. یک مسلمان حقیقی نمی‌تواند تروریست باشد، ولی در مواردی که دفاع از دین، و امنیت و کیان امت اسلامی، چاره‌ای جز اقدام به مثل را نداشته باشد، اسلام تحت عنوان دفاع و مبارزه مشروع، جهاد و پیکار را بر اساس موازین شرعی مجاز شمرده است. اما، به کشورهای غربی می‌گویند: «ملت ما را شما تروریست می‌دانید؟ تشخیص شما در مسائل سیاسی هم همین‌طور است. که ملت ما را تروریست بدانید؟! شما مطمئن باشید که ملت ما، ملت مسلم است و مسلم تروریست نیست» (خمینی الف، ۱۳۸۵: ۷۷).

امام، ترور و به اصطلاح دزدکی کشتن را اقدامی ناجوانمردانه و نشانه بی عقلی و بی منطق بودن مرتکبین آن می‌دانند که به دنبال مایوس کردن مردم هستند. در مجموع می‌توان گفت که ترور، به عنوان یک مکتب در جهان اسلام، از هیچ سابقه ای برخوردار نیست؛ چون خلاف ادبیات ارزشی و فرهنگ معنوی قرآنی و اسلامی و خلاف صریح نص قرآن- سوره ۵ آیه ۳۲- و احادیث اهل بیت و نیز سیره عملی پیامبر اکرم (ص) در مغازی ایشان بوده است. از این رو، ترور در دین اسلام محکوم می‌باشد. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان تعریف محاربه از دیدگاه امام خمینی را، که از آن به «محاربه بوجه افساد» یاد کردیم، اینگونه بیان کرد که بر اساس نظر ایشان برای تحقق محاربه علاوه بر به کار بردن سلاح و قصد ترسانیدن مردم، بایستی قصد افساد نیز در محارب لحاظ شود که البته چنین برداشتی، مبتنی بر نحوه استنباط امام از سوره ۵ آیه ۳۳ می‌باشد که نظر گاه فقها و اندیشمندان حوزه حقوق نیز واقع شده است. به هر حال، تعریف امام خمینی از محاربه، تعریفی همسو با تعریف مشهور فقهای اسلام، به ویژه فقهای شیعه، است که «محارب کسی است که برای اخافه مردم دست به اسلحه ببرد». اما وجه تمایز تعریف ایشان از محاربه، شرط قصد افساد در زمین است که به غیر از ایشان فقهای دیگری، به نحو مبسوط متعرض این مساله- شرط افساد فی الارض- نشده اند. از طرف دیگر، تعریفی که با استناد به گفته ها و بیانات ایشان از ترور به دست می‌آید تعریفی کاملاً علمی و متعارف است که در آن خشونت و ترس از مؤلفه های اصلی است. امام خمینی، ترور را عملی وحشیانه و غیراسلامی می‌دانند و آن را جدا از منطق اسلام دانسته و محکوم به شکست معرفی می‌کنند.

- کتاب ها

۱. گانز، برایان. (۱۳۸۴)، فرهنگ حقوقی بلک، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ابن تیمیه، احمد. (۱۴۳۰ق)، الفتوی المحمویه الکبری، ریاض: انتشارات مکتبه دارالمنهاج.
- ابن خزیمه، محمد ابن اسحاق. (بی تا)، التوحید، قاهره: مکتبه العلوم و الحكم.
- ابن منظور، محمدابن مکرم. (۱۳۷۵)، لسان عرب، بیروت: انتشارات دار صادر، ج ۳.
- ابوزهره، محمد. (۱۹۷۱م)، تاریخ المذاهب الاسلامیه، قاهره: دارالفکر العربی.
- اشراق، محمدکریم. (۱۳۶۰)، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- امین عاملی، سید محسن. (بی تا)، کشف الارتیاب، اصفهان: نشر معارف اهل بیت (ع).
- امین، احمد، زعماء الاصطلاح فی العصر الحدیث، بیروت: دارالکتب العربی.
- امین، سیدمحسن. (۱۳۹۱)، وهابی ها، ترجمه سید ابراهیم سیدعلوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آشوری، داریوش. (۱۳۶۴)، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات سهروردی.
- بامری، جواد. (۱۳۹۵)، داعش شجره خبیثه، قم: انتشارات شهید کاظمی.
- پرواس، رضا. (۱۳۸۸)، بازدارندگی و دفاع مشروع با سلاح متعارف، تهران: دافوس فرماندهی و ستاد چاپ مبشر گستر، چاپ اول.
- پورامینی، محمدباقر. (۱۳۹۵)، بنیاد تفکر سلفی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تقوی مقدم، مصطفی. (۱۳۸۹)، امنیت در دوره رضاشاه، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول.
- جریرالطبری، محمد. (بی تا)، تاریخ الطبری، بیروت: موسسه الاعلمی.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۴)، سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- حبیب زاده، محمدجعفر. (۱۳۷۹)، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران: دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.

حسینی شیرازی، محمد. (بی تا)، الفقه، کتاب البیع، بی جا، بی نا، ج ۴.
حکیمی ها، سعید. (بی تا)، تروریسم در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، بی جا، بی نا.

حمیدآباد... محمد. (۱۳۸۰). سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق سیدمصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول.

حنبللی، عبدالرحمن ابن رجب. (۱۹۵۳م)، الذیل علی طبقات الحنابله، قاهره، بی نا، ج ۲.

خمینی، روح... (۱۳۹۶)، تحریر الوسیله، دارالعلم، ج ۲، چاپ هفتم.

_ (۱۴۱۵ق)، البیع، قم: موسسه نشر اسلامی، ج ۲.

_ (الف ۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم، ج ۱۵.

_ (الف ۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۷.

_ (الف ۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۱۱.

_ (الف ۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۱۵.

_ (الف ۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۱۶.

_ (الف ۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۱۹.

_ (الف ۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۲۰.

_ (الف ۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۲۱.

_ (ب ۱۳۸۵)، تحریر الوسيله، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۷.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۲)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران: انتشارات چاپخانه دانشگاه تهران.

رجوی، مسعود. (۱۳۵۸)، تبیین جهان، تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران. طالقانی، محمود. (۱۳۸۵ق)، جهاد، شهادت و سه مقاله دیگر، بی جا، انتشارات موسسه تعاونی احسان.

طیب، علیرضا. (۱۳۸۴)، تروریسم، تهران: نشر نی، چاپ دوم. عبدا... خانی، علی. (۱۳۸۶)، تروریسم شناسی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.

علی بابایی، غلامرضا و آقای، بهمن. (۱۳۶۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: شرکت نشر ویس، چاپ اول، ج ۱.

عمید، حسن. (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات ابن سینا، چاپ سپهر، نوبت چاپ بیست و دوم.

قرآن کریم

گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۸۷)، جرائم علیه امنیت کشور، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.

مجیدی، محمود. (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اختصاصی، جرم علیه امنیت، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ج ۱۳.

معلوف، لویس. (۱۳۸۷)، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی، ج اول و دوم.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶)، وهابیت بر سر دو راهی، قم: نشر مدرسه امام علی ابن ابیطالب.

منتظری، حسینعلی. (۱۳۶۷)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، تهران:

انتشارات کیهان، چاپ اول، ج ۱.

موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۷۶)، فقه تطبیقی بخش جزایی، تهران: معیاد.

_ (۱۳۸۴)، فقه تطبیقی بخش جزایی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.

میرمحمدصادقی، حسین. (الف ۱۳۸۰)، ملاحظاتی در باب تروریسم، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴.

_ (ب ۱۳۸۵)، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ ششم.

نوحی، حمیدرضا. (۱۳۸۶)، قواعد فقهی در آثار امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - چاپ و نشر عروج، ج ۱.

Badey, T. J. (1998). Defining international terrorism: A pragmatic approach. *Terrorism and Political Violence*, 10(1), 90-107.

Fox, J. (2002), *Ethnoe religious conflict in the late twentieth century*, Lahman, MD, Lexington books.

Gano, Boaz, *terror as a strategy of psychological war fa in bady*, Thomas. J (d), *violence and terrorism*, MCGraw- Hill companies 2006/7.

Long, D. E. (1990). *The anatomy of terrorism* (p. 21). New York: Free Press.

Schmid, A. P. (1988). In AP Schmid & AJ Jongman (Eds.), *Political terrorism: A new guide to actors, authors, concepts, databases, theories and literature* (pp. 5-7). New Brunswick.

- مقالات

احسان بخش، پژمان. (۱۳۷۹)، استاد مصباح و ده نکته در باب تئوری خشونت و تروریسم، فصلنامه کتاب نقد، شماره چهاردهم و پانزدهم.

بشیر، حسن. (۱۳۸۵)، همایش اسلام و حقوق بشر دوستانه بین المللی، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش، قم ۸ و ۹ آذر ۱۳۸۵.

جلالی، محمود. (۱۳۸۴)، تروریسم از دیدگاه حقوق بین الملل با تاکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مجله نامه مفید، سال یازدهم، شماره ۵۲.

سلیمانی، رضا. (۱۳۸۵)، آشفستگی معنایی تروریسم، مجله علوم سیاسی، شماره ۳۸. سیمبر، رضا. (۱۳۸۰)، تروریسم در روابط بین الملل؛ چالش ها و امیدها، تهران، مجله راهبرد، شماره بیست و یکم.

شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین المللی.

عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۲)، جهانی شدن و امنیت ملی، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.

ماندل، رابرت. (۱۳۸۲)، چهره متغیر امنیت ملی، فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی، شماره ۶. هاشمی، محمود. (۱۳۸۱)، افتتاحیه، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مجموعه مقالات و سخنرانی های ارائه شده در همایش ۱۳۸۱.

- سایت ها

مسکه الیعقوبی، حمد بن احمد. (۱۳۹۴)، مجموعه الفتاوی ابن تیمیه، سایت سلفیون

<http://salafion.org>.

